

دو فصلنامه علمی تخصصی پژوهش در آموزش ابتدایی

سال سوم، شماره ۵، بهار و تابستان ۱۴۰۰. صفحات: ۳۹-۵۱

تأثیر آموزش خویشتن‌داری به شیوه فلسفه برای کودکان بر خودکنترلی دانش‌آموزان پایه دوم

ابتدایی شهر یزد

منصور دهقان منشادی^{۱*}، فاطمه شفیعی^۲، حمیده همتی^۳

۱. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، یزد، ایران (نویسنده مسئول)

۲. کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی، دانشگاه آزاد یزد، یزد، ایران

۳. دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

mansoor.d.8@gmail.com

چکیده	اطلاعات مقاله
پژوهش حاضر باهدف تعیین تأثیر آموزش خویشتن‌داری به روش فلسفه برای کودکان بر خودکنترلی دانش‌آموزان پایه دوم ابتدایی شهر یزد انجام گرفت. روش پژوهش، شبه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل و جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان پنجم ابتدایی شهر یزد در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ بود. حجم نمونه شامل ۳۰ نفر دانش‌آموز که به روش تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب و با تخصیص تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. ابزار پژوهش برای گردآوری اطلاعات، پرسشنامه خودکنترلی ادراک‌شده کودکانه ومفری (۱۹۸۲) بود. نتایج بررسی فرضیه‌ها از طریق تحلیل کوواریانس (سطح معناداری ۰/۰۵) نشان می‌دهد که آموزش خویشتن‌داری به روش فلسفه برای کودکان بر خودکنترلی آن‌ها و ابعاد آن (خودکنترلی میان‌فردی، خودکنترلی فردی و خودسنجی) مؤثر می‌باشد و باعث بهبود آن می‌شود.	دریافت: ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۴۰۰ پذیرش: ۴ شهریورماه ۱۴۰۰
	واژگان کلیدی: خویشتن‌داری، فلسفه، خودکنترلی، دوم ابتدایی، دانش‌آموزان

The effectiveness of self-care education on children's philosophy on self-control of second grade elementary students in Yazd

Mansoor Dehghan Manshadi, fatemeh shafiee, hamideh hemati

1. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Yazd, Iran.

2. Master of Educational Technology, Yazd Azad University, Yazd, Iran

3. PhD student in Educational Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

ARTICLE INFORMATION

Received: 1 May 2021

Accept: 26 August 2021

Keywords:

self-control, children's philosophy, self-control, second grade elementary students

ABSTRACT

The aim of this study was to determine the effect of philosophy of self-control education for children on self-control of second grade elementary students in Yazd. The research method was quasi-experimental with pre-test-post-test design with control group and the statistical population included all fifth grade elementary students in Yazd in the academic year 2009-2010. The sample size consisted of 30 students who were selected by multi-stage cluster random sampling method and randomly assigned to experimental and control groups. The research tool for collecting information was the Child and Perceived Perceptual Self-Control Questionnaire (1982). Interpersonal, individual self-control and self-assessment are effective and improve it.

مقدمه

مهارت‌های اجتماعی مهارت‌هایی هستند که افراد برای برقراری ارتباط و تعامل با یکدیگر، به دو صورت کلامی و غیر کلامی و از طریق حرکات، زبان بدن و نمودهای شخصیتی از آن‌ها استفاده می‌کنند (Traisorn, Soonthornrojana and chano, 2015). این مهارت‌ها روش‌های واقعی هستند که افراد برای آغازگری، مشارکت، ارتباط برقرار کردن و پاسخ به دیگران زمانی که در یک مبادله شرکت دارند، استفاده می‌کنند (Asadi Gandmani and et al, 2015). مهارت‌های اجتماعی برای عملکرد بینفردی و کیفیت زندگی افراد ضروری است (Caplan, 2017). فقدان مهارت‌های اجتماعی مناسب موجب مشکلات بعدی در زندگی مانند شکست تحصیلی، ازدست دادن شغل، افسردگی، رفتارهای چالش برانگیز، گوشه‌گیری، انزوای اجتماعی و رفتار پرخاشگرانه در افراد می‌شود (BehPajooch and Hossein, 2015). امروزه علی‌رغم تغییرات عمیق فرهنگی و تغییر در شیوه‌های زندگی، بسیاری از افراد خصوصاً دانش‌آموزان فاقد توانمندی‌ها و مهارت‌های لازم و اساسی برای رویارویی با مشکلات پیش رو هستند و یادگیری مهارت‌های اجتماعی، افراد را برای مواجهه مؤثر با مسائل و چالش‌های زندگی و غلبه بر تنش‌ها و نیز بروز رفتارهای سازگارانه آماده می‌کند. انسان موجودی مدنی الطبع است که برای تداوم حیات و رفع نیازهای خویش در اجتماع ناگزیر از به کار بستن مهارت‌های زیست جمعی همچون خویشتن‌داری، ارتباط مؤثر، جرئت و همدلی است (Fatholahi and Sahraei, 2013).

از جمله مهارت‌هایی که مورد توجه روانشناسان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت بوده است خودکنترلی است که باید از کودکی به آن توجه شود (Druker, Mazzucchelli, Beilby, 2019). خودکنترلی یک جزء حیاتی برای برخورداری از رفاه اجتماعی در کودکان به حساب می‌آید که فرصت تصمیم‌گیریهای درست و کنترل احساسات را فراهم می‌کند (Hafizi, 2021). خودکنترلی به معنای توانایی تسلط و توانایی اجتناب یا از بین بردن افکار، رفتارها و هیجانات ناخواسته است (Yang and etl, 2017)؛ و به فرآیندی برمی‌گردد که افراد با افکار، رفتارها و هیجانات خود به روشی مناسب سازگار می‌شوند تا با اهداف شخصی خود هم‌تراز شوند (Hofmann and etl, 2013). افراد مبتلا به کمبود خودکنترلی با مسائل، هیجانی و غیرخردمندانه برخورد می‌کنند. آن‌ها اهل خطر کردن بدون دوراندیشی هستند و پاداش‌های فوری را به پاداش‌های طولانی مدت ترجیح می‌دهند (Razmgar and Asghari Ebrahimabad, 2020). بنابراین، خودکنترلی مستلزم مدیریت و مهار احساسات است و افراد خودکنترل، از ثبات هیجانی بیشتری برخوردارند که این ویژگی می‌تواند کارایی آنان را افزایش دهد. یافته‌های پژوهش‌ها نشان داده است که خودکنترلی با سلامت روانی، روابط بین فردی، پیشرفت در تکالیف و عملکرد تحصیلی رابطه مثبت معنادار دارد (Mohammadi and Amini, 2020). فردی که به لحاظ خودکنترلی ضعیف است، به طور مداوم با احساس ناامیدی، افسردگی و بی‌علاقگی به فعالیت مواجه است (Mousavi Moghadam and etl, 2017). یکی دیگر از مهارت‌های مهم زندگی انسان خویشتن‌داری و تنظیم کردن رفتار است (Pasandideh, 2014). خویشتن‌داری شامل رفتارهایی است که در موقعیتهای دشوار (نظیر مسخره شدن) مستلزم رفتار معقول از سوی فرد است (Hafizi, 2021). خویشتن‌داری فقط مربوط به بزرگان نمی‌شود بلکه می‌توان این ویژگی را در کودکان نیز بارور کرد، اما شیوه‌های خویشتن‌داری در کودکان بسیار حساس و حائز اهمیت است. یعنی در بیشتر موارد با رفتار عملی بزرگ‌ترها کودک ویژگی‌های اخلاقی را یاد می‌گیرد و بعد با تقویت و پاداش می‌توان این ویژگی‌های آموخته شده را در کودک تقویت کرد تا در وجود او نهادینه شود. باید توجه کرد که حتی این صفت یعنی خویشتن‌داری نباید از حد بگذرد چرا که حتی افراط و تفریط در آن می‌تواند مشکل‌ساز گردد (Belaghat and Khamer, 2012).

اگر مسئله خویشتن‌داری در مورد کودکان مطرح شود باید بگوییم که کودکانی که خویشتن‌دارند در مقایسه با کودکان دیگر مسئول‌تر و بالغ‌ترند. در ضمن انگیزش پیشرفت بالاتری دارند. این افراد حتی وقتی کسی بر کار آن‌ها نظارت می‌کند بیشتر از قواعد پیروی می‌کنند. هر چند که خویشتن‌داری جزء اصلی سازگاری اجتماعی است، افراط در خویشتن‌داری ممکن است جنبه ناسازگارانه داشته باشد. کودک باید بتواند به اقتضای موقعیت، خویشتن‌داری را کمتر کند و این کار رفتار سازگارانه محسوب می‌شود. به همین دلیل، محققان انعطاف‌پذیری ایگورا به عنوان شاخصی از انعطاف‌پذیری و سازگاری ارزیابی کردند. کودکانی که بسیار انعطاف‌پذیرند به اقتضای موقعیت

می‌توانند بسیار خویشتن‌دار باشند؛ در ضمن می‌توانند در موقعیت‌های دیگر به‌طور خودجوش عمل کنند و عواطف خود را ابراز کنند. خویشتن‌داری غالباً متعاقب قضاوت‌های اخلاقی و رفتاری جامعه پسند است، زیرا این‌ها مستلزم این است که کودک بتواند ارضای امیال و علائق خود را به خاطر دیگران سرکوب کند و یادست کم به تعویق بیندازد (Keegan and Masson, 2016, translation yasae).
 2015). کودکان خویشتن‌دار که ابرازخشنودی و خوشحالی خود را به تأخیر می‌اندازند، عملکرد بهتری در سال‌های بعد نسبت به موفقیت دانشگاهی و سازگاری اجتماعی دارند. بعضی از دانشمندان اجتماعی، به تأخیر انداختن خشنودی و خوشحالی را یک پویایی مهم وزیربنای انتخاب‌های رفتاری افراد می‌دانند، به عبارت دیگر خویشتن‌داری می‌تواند پیش‌بینی کننده عملکرد افراد باشد (Mccullough & Willoughby, 2009).

از طرفی علاقه به توسعه توانایی‌های فکری موضوعی نیست که فقط در عصر حاضر بدان توجه شده باشد بلکه چنین علاقه‌ای در تاریخ تعلیم و تربیت ریشه دارد (Shabani, 2014). با وجود تأکید بر افزایش مهارت‌های فکری از جمله پرسشگری و تفکر انتقادی دانش‌آموزان در الگوی جدید آموزش و پرورش، این بینش نتوانسته بر پیش‌فرض‌های آموزش و پرورش سنتی غلبه کند (Topping & Trickey, 2007).

به‌رغم اینکه فعالیت‌های مدارس به کودکان و نوجوانان اختصاص دارد، شواهد نشان می‌دهد که برنامه‌های آموزشی فعلی نتوانسته‌اند اندیشیدن، پرسیدن و درست انتقاد کردن را در دانش‌آموزان ارتقاء دهند (Gatiey, 2020). اگر کودکان هنگام اشتغال به تحصیل، اندیشیدن و با هم اندیشیدن و به صورت گروهی کار کردن را نیاموزند، چگونه می‌توانند به یادگیری ادامه دهند و در جامعه قدم بگذارند (Smith and Holfish, Beta; Translated by Shariatmadari, 2012). برای حل این مسئله، در اکثر کشورهای جهان به‌ویژه آمریکا و اروپا، در دهه اخیر فلسفه به‌منزله روشی برای پرورش تفکر توجه شده است. در اواخر دهه ۱۹۶۰، لیپمن برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان را مطرح کرد و متذکر شد که اگر هدف ما از آموزش تفکر انتقادی، آموزش تفکر بهتر به افراد باشد، این کار مستلزم تعلیم ملاک‌ها، موازین و قواعدی خواهد بود که فرد، به‌واسطه آن‌ها، خودش قادر به ارزیابی تفکرات خود باشد (Limpan, 1976; Quoted from Tabatabai and Mousavi, 2011).

فلسفه برای کودکان (P4C) برنامه‌ای برای آموزش مهارت استدلال و تفکر به کودکان است (Zulkifli & Hashim, 2020). این برنامه ابزار عقلی، اجتماعی و عاطفی‌ای را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد که برای تفکری خردمندانه و مستدل لازم است و به‌وسیله کاوشگری جمعی در کلاس، آن‌ها را ترغیب می‌کند تا با تعهد و شجاعت آن‌گونه که خود می‌خواهند رفتار کنند (Retyunskik, 2020). لیپمن مدعی است برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان با ایجاد حلقه کندوکاو در کلاس درس قصد دارد به کودکان کمک کند تا هر آنچه قرار است در صحنه اجتماع انجام دهند، در این حلقه بیاموزند و تمرین کنند (Lipman, 2017; Najji, 2010) و اگر درست اجرا شود مهارت‌های اجتماعی، خودباوری، ابراز وجود را افزایش می‌دهد (Binti Ismail, 2020).

در آموزش فلسفه برای کودکان، دانش‌آموزان یک کلاس، به همراه معلم شان حلقه‌وار، دوره‌هم می‌نشینند و رو در روی هم بایکدیگر به مباحثه می‌پردازند که این حلقه کندوکاو نامیده می‌شود (Demozzi & Ilardo, 2020). دانش‌آموزان با خواندن بخشی از داستان (البته نه بیشتر از یک پاراگراف در هر بار) با صدای بلند، کلاس را آغاز می‌کنند. توزیع یکسان وقت در میان کودکان برعهده معلم است و این امر به‌طور جدی مورد توجه قرار می‌گیرد؛ چراکه پیامدها و استلزامات دموکراتیکی به همراه دارد. وقتی که خواندن یک پاراگراف تمام شد، معلم با این پرسش‌ها کندوکاو را شروع می‌کند: این روشی است که فکردانش‌آموزان را برمی‌انگیزد و تازمانی که قابلیت نقادی و خودانتقادی^۲ را در آن‌ها پدید نیاورد، آرام نمی‌گیرد و این فرآیند نیز، به نوبه خود، آن‌ها را به خود اصلاحی سوق می‌دهد (Lipman, 2003, quoted by Najji, 2004).

1. Lipman

2. Self criticism

حلقه کندوکاو، به دلیل ویژگی کندوکاوی برگزیده پرسش کردن و جست و جویی بسیار وسیع برای حقیقت و جست و جویی وسیع تر برای معناست (Junus & Heru, 2019). همچنین رابطه چشم در چشم، صورت بندی سؤالها، دلیل و شاهد خواستن از دیگران برای ادعاهایی که دارند، بهره بردن از اندیشه های دیگران، پذیرش انتقادهای موجه، محترم شمردن دیگری در مقام یک شخص، روشن سازی مفاهیم مبهم، حمایت و پشتیبانی از عقاید با دلایل متقاعد کننده از دیگر ویژگی های حلقه کندوکاو است (Lippmann, 2003, quoted by Naji, 2004).

در یک نظام آموزشی کارآمد، با استفاده از برنامه فلسفه برای کودکان یا فیک، کلاس درس فضای پویاتری خواهد داشت، معلم و یادگیرندگان با درک اینکه بسیاری از پرسشها، به ویژه پرسش های فلسفی ممکن است پاسخ صریح و قطعی نداشته باشند و چه بسا برای یک پرسش، پاسخ های متعددی نیز وجود داشته باشد، ضمن آموختن تسامح و تساهل، یاد می گیرند درباره آنچه آموخته اند، فکر کنند (Mardazad Behi, Yariqholi, & Piri, 2021). به این ترتیب، در چنین نظام آموزشی، کودکان از طریق یادگیری و پرورش مهارت های تفکر انتقادی و خلاق در بحث های فلسفی، به تحقق اهداف شناختی آموزش و پرورش نزدیک می شوند و مهارت هایی نظیر «دانستن، ادراک، کاربرد یابی، تحلیل کردن، ترکیب کردن و ارزیابی را تمرین می کنند». در واقع آشنایی دانش آموزان با ایده ها و مضامین فلسفی از طریق برنامه فلسفه برای کودکان، نشان می دهد این برنامه یک روش شناسی محصل برای پرورش مهارت های تفکر انتقادی، خلاق و همدلانه از طریق بحث کردن فراهم نموده است (Shepherd, Sattari, & Patzelt, 2020).

نتایج پژوهش ها حاکی از آن است که آموزش مهارت های زندگی موجب کاهش مشکلات دانش آموزان در زمینه خودکنترلی شده است (Rahimi, and etl, 2017) اثربخشی آموزش خویشتن داری بر مثبت اندیشی دانش آموزان دختر پایه اول دبیرستان (Kazemi and Rezapour Mirsaleh, 2018)، اثربخشی آموزش هوش اخلاقی بر عملکرد اجتماعی و مشکلات رفتاری (Pooya Manesh, 2018)، نقش خویشتن داری بر کاهش پرخاشگری کودکان (Kheradmand & Shahedi, 2018)، طراحی الگوی تدریس خویشتن داری به شیوه بازی- تمرین و تأثیر آن بر مهارت های اجتماعی کودکان (Sadeghi Bakhi, 2015)، رابطه خودکنترلی، دل بستگی به والدین و رفتار اجتماعی در بین نوجوانان چینی (dehkordi and Vaziri yazdi, 2015, Nie, Li, 2016)، تأثیرات مثبت آموزش خویشتن داری بر بهبود مهارت های اجتماعی (Gur, 2011) را بررسی کردند. نتایج مطالعات نشان می دهد که سنین پیش دبستانی و دبستان یک نقطه عطفی در زندگی یک کودک است. محیط آموزشی باید این توانایی را داشته باشد که خودکنترلی را افزایش دهد و کودکان را به پیروی از قوانین اجتماعی سوق دهد. در این دوره های سنی، برای اولین بار احساس وظیفه و مسئولیت واقعی صورت می گیرد، حتی اگر این احساسات هنوز به طور کامل درک نشده باشند و خود را در رفتار کودکان نشان ندهند؛ بنابراین، مهم ترین وظیفه سیستم آموزشی، ایجاد شرایط برای شکل گیری این ویژگی شخصیتی در کودکان است. بدون دستیابی به این هدف، داشتن بزرگ سالی با ویژگی مسئولیت پذیری داوطلبانه و با وجدان غیرممکن است (Jalai, Cheragh Mollai, 2019, & Khudabakhsh Pirklani, 2019).

با توجه به مطالب بیان شده پرورش فضیلت های اخلاقی یکی از اساسی ترین راه های رسیدن انسان به کمال است که پایه های اصلی آن از دوران کودکی گذاشته می شود؛ دورانی که در آن شاکله شخصیت شکل می گیرد و تمام زندگی فرد به نوعی تحت تأثیر اولین تجربیات وی در این دوران خواهد بود. در این میان شاید پرداختن به خویشتن داری و آموزش آن خیلی ضروری به نظر برسد. زیرا بسیاری از والدین از سعه صدر نداشتن فرزندانشان شکایت می کنند، در صورتی که در واقع باید خود را سرزنش کنند، به این دلیل که خویشتن داری را از دوران کودکی به وی نیاموخته اند، از این رو باید گفت دوران کودکی در زندگی انسان از اهمیت ویژه برخوردار است. در این دوران می توان بنای یک زندگی سالم و سعادت مندانه را پی ریزی کرد و از بسیاری از مشکلات در آینده جلوگیری نمود. سال های دبستان در رشد و تربیت کودکان نقش اساسی تعیین کننده ای دارد. در این دوران حساس و مهم یادگیری کودکان عمیق تر، سریع تر و آسان تر انجام می شود و پایه های اصلی شخصیت آن ها شکل می گیرد. اگر افراد از دوران کودکی نتوانند به قوانین احترام گذاشته و آن ها را رعایت کنند، در دوره های بعدی

زندگی با مشکلات رفتاری زیادی مواجه خواهند شد. از این رو کودکان به حمایت‌ها، آموزش‌ها و تحسین و تشویق‌های مناسب برای کسب خودکنترلی نیاز دارند و خودکنترلی یکی از مهارت‌هایی است که افراد می‌بایست برای زندگی اجتماعی‌شان کسب کنند. لازم به ذکر است که کودکان برای آن که بتوانند خودشان را با اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند، هرچه بیشتر سازگار کنند، باید مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی گوناگون را بیاموزند. همچنین کمبود این مهارت‌ها باعث عدم سازش در روابط بین فردی و مشکلات رفتاری می‌گردد و بر سازگاری کودک با محیط تأثیر منفی دارد و بیشتر تنش، تنهایی و به‌طور کلی سلامت روحی و جسمی ضعیف را تجربه می‌کنند. مشکلات کودکان در مهارت‌های ارتباطی غالباً به این دلیل ایجاد می‌شود که کودکان نمی‌دانند در موقعیت‌های اجتماعی چه کار کنند. در نتیجه لازم است تا کودکان آموزش‌های لازم را در زمینه مهارت‌های ارتباطی دریافت کنند. یکی از شیوه‌هایی که در آموزش این گونه مهارت‌ها به کودکان می‌تواند مؤثر واقع شود برگزاری کارگاه‌های آموزشی است، لذا باتوجه به اهمیت متغیرهای گفته شده و کمبود پژوهشی که در این مورد در داخل کشور احساس می‌شود، در این پژوهش فرضیه زیر مورد بررسی قرار گرفت:

آموزش خویشتن‌داری به شیوه فلسفه برای کودکان بر خودکنترلی دانش‌آموزان پایه دوم ابتدایی شهر یزد تأثیر دارد.

روش پژوهش

این پژوهش بر اساس هدف از نوع تحقیقات کاربردی است و از نظر روش شبه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بوده است. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان پایه دوم ابتدایی شهر یزد در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ بود. بر اساس نظر بورگ و گال به نقل از دلاور (Delavar, 2016) در تحقیق‌های آزمایشی و علی‌مقایسه‌ای باید حجم هر گروه حداقل ۱۵ نفر باشد؛ از این رو ضمن توجه به حداقل حجم نمونه، نمونه مورد مطالعه ۳۰ دانش‌آموز پایه دوم ابتدایی شهر یزد بود. نمونه‌گیری از نوع تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای و با تخصیص تصادفی یکی به عنوان گروه آزمایش و دیگری کنترل بود. بدین منظور ابتدا یکی از نواحی دوگانه شهر یزد (ناحیه یک) به‌طور تصادفی انتخاب شد و لیست دبستان‌های ناحیه یک، طی تماس با اداره آموزش و پرورش آن ناحیه، دریافت گردید. از بین مدارس ناحیه یک شهر یزد، به‌صورت تصادفی از لیست موجود در آموزش و پرورش، ۵ مدرسه و از هر مدرسه ۳ کلاس و از هر کلاس ۱۰ دانش‌آموز، به‌طور تصادفی انتخاب شد. در ادامه ۳۰ نفر از ۱۵۰ نفر که نمره خویشتن‌داری پایین‌تری داشتند انتخاب و در دو گروه آزمایش و کنترل (هر گروه ۱۵ نفر) قرار گرفتند. ابزار پژوهش، پرسشنامه خودکنترلی ادراک‌شده کودکان هومفری (CPSC) بود.

مقیاس خودکنترلی ادراک‌شده کودکان (CPSC) توسط اورالین هومفری در سال ۱۹۸۲ ساخته شده است که از ۱۱ گویه و ۳ خرده‌مقیاس خودکنترلی میان‌فردی (ISC) (۴ سؤال)، خودکنترلی فردی (PSC) (۳ سؤال) و خودسنجی (SE) (۲ سؤال) تشکیل شده است که به‌منظور سنجش ادراک کودکان از خودکنترلی خودشان بکار می‌رود. پایایی این آزمون، با استفاده از روش همبستگی بازآزمایی به فاصله ۲ تا ۳ هفته محاسبه و نمره همبستگی کل ۰/۷۱ و خودکنترلی فردی ۰/۶۳، خودکنترلی میان‌فردی ۰/۶۳ و خودسنجی ۰/۵۶ گزارش شده است (Alivardiniya and younesi, 2014). هامفری برای سنجش روایی آزمون نمره‌های آن را با دیگر پرسشنامه‌های سنجش ادراک خودکنترلی مقایسه و ضرایب همبستگی گشتاوری پیرسون بین این پرسشنامه و دیگر پرسشنامه‌های مورد نظر را بین ۰/۶۵ تا ۰/۷۱ گزارش کرد (Humphrey, 1982). برجلی و همکاران (Borjali and at al, 2014) در بررسی رابطه سبک‌های والدینی و مشکلات رفتاری کودکان کانون اصلاح و تربیت شهر مشهد، با استفاده از روش بازآزمایی با فاصله ۱ ماه پایایی آن را ۰/۷۷ و روایی آزمون را با استفاده از مقایسه نتایج سنجش‌های دیگر خودکنترلی، ۰/۷۱ به دست آوردند.

این پژوهش با هدف تعیین تأثیر آموزش خویشتن‌داری به شیوه فلسفه برای کودکان بر خودکنترلی دانش‌آموزان پایه دوم ابتدایی شهر یزد انجام گرفت و با توجه به اهداف و موضوع پژوهش، پژوهشگر با مشورت و مساعدت استاد راهنما، به طراحی این کارگاه آموزشی اقدام کرد و به آموزش بر روی گروه آزمایش که به‌صورت تصادفی انتخاب شده بودند پرداخت. در این تحقیق از شیوه شبه آزمایشی استفاده شد که ابتدا دو گروه گواه و آزمایش در معرض پیش‌آزمون مذکور قرار گرفتند. پس از آموزش خویشتن‌داری به شیوه فلسفه برای کودکان برای گروه آزمایش؛ در پایان پس‌آزمون نیز برای هر دو گروه اجرا شد و هر دو گروه با هم مقایسه شدند. در گروه آزمایش به

دانش آموزان پسر در ۱۳ جلسه ۶۰ دقیقه‌ای خویشتن داری به شیوه فلسفه برای کودکان آموزش داده شد. عناوین جلسات آموزش خویشتن داری برای کودکان در جدول شماره یک آمده است.

جدول ۱: عناوین جلسات آموزش خویشتن داری به شیوه فلسفه برای کودکان

جلسه اول	- معارفه و انجام پیش آزمون
جلسه دوم	- بیان قواعد p4c - هدف: توجیه قوانین و انتظارات p4c
جلسه سوم	- نحوه آموزش خویشتن داری و خویشتن داری در کودکان و خواسته‌های آن‌ها - هدف: بیان مفهوم خویشتن داری
جلسه چهارم	- تکنیک‌های خویشتن داری (انجام مشکل به صورت پانتومیم) - هدف: آموزش خویشتن داری
جلسه پنجم	- تکنیک‌های خویشتن داری (انجام تکلیف چند مرحله‌ای) - هدف: آموزش خویشتن داری
جلسه ششم	- تکنیک‌های خویشتن داری - هدف: آموزش خویشتن داری
جلسه هفتم	- تکنیک‌های خویشتن داری (تصویرسازی بینایی) - هدف: آموزش خویشتن داری
جلسه هشتم	- راهکارهای خویشتن داری (ورزش کردن و مثبت فکر کردن) - هدف: آموزش خویشتن داری
جلسه نهم	- راهکارهای خویشتن داری (درگیر کردن دیگران، تجسم خویشتن داری و حواس خود را پرت کردن) - هدف: آموزش خویشتن داری
جلسه دهم	- انجام بازی بادکنک خشم برای کنترل خشم و ایجاد خویشتن داری - هدف: آموزش خویشتن داری
جلسه یازدهم	- بازی پاره پاره کردن روزنامه برای کنترل خشم و ایجاد خویشتن داری - هدف: آموزش خویشتن داری
جلسه دوازدهم	- بازی لاک پشت ماورا برای کنترل خشم و ایجاد خویشتن داری - هدف: آموزش خویشتن داری
جلسه سیزدهم	- اجرای پس آزمون - هدف: ارزیابی یادگیری

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی این پژوهش شامل شاخص‌های آماری از قبیل میانگین و انحراف معیار نمرات خودکنترلی و ابعاد آن در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۲: آماره‌های پیش آزمون و پس آزمون خودکنترلی در گروه‌های آزمایش و کنترل

گروه‌ها	مرحله	میانگین	انحراف استاندارد	گروه‌ها	مرحله	میانگین	انحراف استاندارد
آزمایش	پیش آزمون	۴/۶۰	۱/۵۵	کنترل	پیش آزمون	۴/۴۶	۲/۲۹

۲/۶۵	۴/۸۰	پس آزمون		۱/۱۲	۷/۵۳	پس آزمون		
۱/۲۲	۲/۰۶	پیش آزمون	گواه	۱/۴۰	۱/۶۰	پیش آزمون	آزمایش	خودکنترلیمیانفردی
۱/۳۹	۲/۲۷	پس آزمون		۰/۷۷	۳/۲۰۰	پس آزمون		
۰/۸۹	۱/۶۷	پیش آزمون	گواه	۰/۹۷	۱/۶۶	پیش آزمون	آزمایش	خودکنترلفردی
۰/۹۶	۱/۷۳	پس آزمون		۰/۶۱	۲/۶۶	پس آزمون		ابعاد
۰/۷۹	۰/۷۳	پیش آزمون	گواه	۰/۷۲	۱/۳۳	پیش آزمون	آزمایش	خودسنجی
۰/۶۸	۰/۸۰	پس آزمون		۰/۴۵	۱/۶۶	پس آزمون		

همانطور که در جدول شماره ۲ مشاهده می شود میانگین نمرات پس آزمون گروه آزمایش از گروه کنترل بالاتر است. برای اینکه مشخص شود تفاوت معنادار است یا نه از تحلیل مانکوا استفاده شده است. قبل از اجرای آزمون مانکوا ابتدا باید پیش فرض های مربوط به آن (آزمون باکس، آزمون لوین جهت بررسی برابری واریانس ها و آزمون اثر پیلائی) رعایت شده باشند. در ادامه ابتدا پیش فرض های این آزمون مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۳: نتایج آزمون باکس جهت برابری ماتریس های کوواریانس ابعاد خودکنترلی

آماره	F	Df1	Df2	سطح معناداری
۱۴/۹۳۸	۰/۸۰۱	۱۵	۳۱۵۶/۶۳۲	۰/۶۸

قبل از تحلیل نتایج مانکوا، آزمون باکس برای ارزیابی شرط برابری ماتریس های کوواریانس متغیرهای وابسته انجام شد. سطح معناداری آزمون که بیشتر از ۰/۰۵ می باشد نشان داد که از مفروضه یکسانی ماتریس واریانس - کوواریانس تخطی نشده است.

جدول ۴: آزمون لوین جهت سنجش برابری واریانس مؤلفه های خودکنترلی در پیش آزمون

متغیر	آماره لوین	Df1	Df2	سطح معناداری
خودکنترلی	۱/۵۷۵	۱	۲۸	۰/۲۲۰
خودکنترلی میان فردی	۴/۹۶۰	۱	۲۸	۰/۳۴
خودکنترلی فردی	۰/۰۵۶	۱	۲۸	۰/۸۱۵
خودسنجی	۰/۵۴۲	۱	۲۸	۰/۴۶۸

با توجه به نتایج جدول ۴ و با توجه به سطح معناداری هر مؤلفه مشخص شد که تمامی ابعاد خودکنترلی دارای واریانس برابر در دو گروه کنترل و آزمایش هستند.

جدول ۵: آزمون های چند متغیره (مانکوا) برای مؤلفه های خودکنترلی

نام آزمون	مقدار	f	فرضیه df	خطا df	سطح معناداری	مجذور اتا
اثر پیلائی	۰/۱۴۵	۶۵/۹۱۱	۵	۱۹	۰/۰۰۰۱	۰/۹۴۵
لامبدای ویلکز	۰/۰۵۵	۶۵/۹۱۱	۵	۱۹	۰/۰۰۰۱	۰/۹۴۵
اثر هنتینگ	۱۷/۳۴۵	۶۵/۹۱۱	۵	۱۹	۰/۰۰۰۱	۰/۹۴۵
بزرگ ترین ریشه روی	۱۷/۳۴۵	۶۵/۹۱۱	۵	۱۹	۰/۰۰۰۱	۰/۹۴۵

در این جدول آماره F ، درجه آزادی فرضیه و خطای توزیع نشان داده شده است. برای تفسیر معنی داری آزمون اثر پیلای، لامبدای ویلکز، اثر هتلینگ، بزرگترین ریشه روی از مقدار سطح معناداری ($Sig.$) استفاده شد. اگر مقدار سطح معناداری اثر مورد آزمون کوچکتر از سطح خطای ۵ درصد باشد، در این صورت می توان نتیجه گرفت که آن اثر معنی دار است و در مدل نقش دارد. با توجه به نتایج جدول، مقدار معناداری برای همه آزمون ها کمتر از سطح خطا بوده و در نتیجه در مدل اثر دارند؛ بنابراین بین دو گروه کنترل و آزمایش حداقل از لحاظ یکی از متغیرهای وابسته تفاوت معناداری وجود دارد. برای پی بردن به این نکته که از لحاظ کدام متغیر بین دو گروه تفاوت وجود دارد، تحلیل کوواریانس یک راهه در متن مانکوا انجام گرفت که نتایج آن در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶: نتایج تحلیل کوواریانس مانکوا خودکنترلی

مؤلفه ها	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	Sig.	مجذورات
خودکنترلی	پیش آزمون	۱۰۱۸/۱۳۸	۱	۱۰۱۸/۱۳۸	۴۷۹/۲۴۹	۰/۰۰۰۱	۰/۹۵
	گروه	۱۳۱/۹۳۸	۱	۱۳۱/۹۳۸	۶۲/۱۰۴	۰/۰۰۰۱	۰/۷۳
	خطا	۴۸/۸۶۲	۲۳	۲/۱۲۴			
خودکنترلی	پیش آزمون	۶۴/۸۸۳	۱	۶۴/۸۸۳	۴۸/۱۸۵	۰/۰۰۰۱	۰/۶۸
میان فردی	گروه	۴۳/۳۴۸	۱	۴۳/۳۴۸	۳۲/۱۹۲	۰/۰۰۱	۰/۵۸
	خطا	۳۰/۹۷۱	۲۳	۱/۳۴۷			
خودکنترلی	پیش آزمون	۶۹/۴۷۶	۱	۶۹/۴۷۶	۱۰۷/۴۲۹	۰/۰۰۱	۰/۸۲
فردی	گروه	۵۰/۶۲۴	۱	۵۰/۶۲۴	۷۸/۲۷۸	۰/۰۰۱	۰/۷۷
	خطا	۱۴/۸۷۵	۲۳	۰/۶۴۷			
خودسنجی	پیش آزمون	۱۱۷/۷۶۲	۱	۱۱۷/۷۶۲	۲۲۰/۷۴۸	۰/۰۰۱	۰/۹۱
	گروه	۴۶/۴۹۲	۱	۴۶/۴۹۲	۸۷/۱۵۰	۰/۰۰۱	۰/۷۹
	خطا	۱۲/۲۷۰	۲۳	۰/۵۳۳			

همان طور که در جدول ۶ نشان داده شده است با کنترل تأثیر متغیر کمکی (پیش آزمون) بر روی متغیر وابسته، بین دو گروه از لحاظ خودکنترلی ($p < ۰/۰۵$ و $F = ۶۲/۱۰۴$)، خودکنترلی میان فردی ($p < ۰/۰۵$ و $F = ۳۲/۱۹۲$)، خودکنترلی فردی ($p < ۰/۰۵$ و $F = ۷۸/۲۷۸$) و خودسنجی ($p < ۰/۰۵$ و $F = ۸۷/۱۵۰$) تفاوت معنادار وجود دارد، بدین معنا که مؤلفه های خودکنترلی، خودکنترلی میان فردی، خودکنترلی فردی و خودسنجی به خاطر سطح خطای کمتر از ۵ درصد در دو گروه کنترل و آزمایش تفاوت معناداری با هم دارند؛ این بیانگر آن است که آموزش خویشتن داری توانسته است وضعیت این ۳ بعد از خودکنترلی (خودکنترلی میان فردی، خودکنترلی فردی و خودسنجی) را بهبود بخشد.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به اینکه نتایج آزمون نشان داد که نمرات گروه آزمایش در پس آزمون خودکنترلی به طور معناداری نسبت به گروه گواه افزایش یافته است، می توان ادعا نمود که در چارچوب محدودیت های طرح آزمایشی، آموزش خویشتن داری به شیوه فلسفه برای کودکان باعث افزایش خودکنترلی دانش آموزان شده و فرضیه پژوهش تأیید می شود. این یافته با نتایج پژوهش رضاپور میرصالح و همکاران

(RezapoorMirsaleh and et al, 2017)، صحت بین آبادی و همکاران (SehatbeynAbadi and et al, 2015) عابدی دهکردی و وزیر یزدی (Abedi dehkordi and Vaziri yazdi, 2015) همسو می‌باشد.

لازم به ذکر است که مهارت‌های شناختی، به‌تنهایی، به خودکنترلی منجر نمی‌شوند. افزون بر این مهارت‌ها، داشتن توانایی و منش به‌کارگیری ماهرانه آن‌ها برای خودکنترلی خوب عاملی ضروری است و این که شخص قادر باشد از مهارت‌های شناختی خود، در موقعیت‌های مناسب استفاده کند. از این رو، آموزش خویش‌داری به روش فلسفه برای کودکان ابزاری برای تقویت مهارت‌های شناختی و به‌کارگیری مناسب آن‌ها شمار می‌رود. آنگاه که کودکان در فعالیتی گروهی به بررسی موضوعات می‌پردازند، فضای مناسبی برای تقویت مهارت‌ها، خلیقات و ادراکاتی که برای قضاوت خوب ضروری‌اند ایجاد می‌شود. کودکان مهارت‌های شناختی خود را بارها و بارها در موقعیت‌های بازسازی شده، که بسیار شبیه به موقعیت‌های زندگی واقعی‌شان است، به‌کار می‌گیرند و بدین ترتیب، قوه قضاوت خلاق‌شان را تقویت می‌کنند.

از سوی دیگر با آموزش به شیوه فلسفه به کودکان می‌آموزند که با احترام و توجه به یکدیگر گوش دهند. ایده‌هایشان را کنار هم قرار دهند و آن‌ها را کامل‌تر کنند، دیگری را به نقد بکشند تا برای عقاید و ایده‌های تأیید نشده و بی‌پشتوانه‌شان استدلال منطقی بیاورند. آن‌ها تحمل دیدگاه‌های مخالف را به دست می‌آورند و هنگامی که نظرشان با نقدی مواجه شد، ناراحت و عصبانی نمی‌شوند. کودکان می‌آموزند که برای پیشرفت و بهبود وضعیت خود در زندگی، نیاز دارند صمیمانه نقد شوند و نقد کنند و می‌آموزند که انتقاد لزوماً به معنای بی‌احترامی نیست. حال آنکه علت بسیاری از خشم‌ها و خصومت‌ها تحمل نکردن انتقاد از جانب دیگران و تلقی نادرست از آن است. این همان چیزی است که در فرهنگ ما سعه صدر خوانده شده است. خود را به جای دیگران گذاردن و از منظر دیگران به مسئله و موقعیت نگریستن، جوهره سعه صدر است که از دستاوردهای مهم برنامه فلسفه برای کودکان به شمار می‌رود.

همچنین آموزش خویش‌داری به روش فلسفه، حس مسئولیت‌پذیری را در فراگیران ارتقا می‌دهد؛ زیرا دانش‌آموزی که آگاهانه و با در نظر گرفتن همه دیدگاه‌ها و مؤلفه‌های زمینه به قضاوت و تصمیم‌گیری رسیده است و از آنجا که مسئله را از آن خویش‌داری گرفته است و تصمیم‌گیری را بر عهده می‌گیرد، در جلسات آموزش خویش‌داری به روش فلسفه، داستان‌های مربوط به خویش‌داری را مطالعه می‌کنند. آن‌ها ضمن خواندن داستان‌ها درمی‌یابند که مسائلی وجود دارد که باید برای آن‌ها راه‌حلی پیدا کنند. آن‌ها فرامی‌گیرند اطلاعات را سازمان‌دهی کنند و از درون آن‌ها فرضیه‌های مناسب را پیش‌بینی و استخراج کنند. در این فرایند، به آن‌ها کمک می‌شود در جریان پیش‌بینی به درک روابط هم‌بستگی و روابط علی نیز برسند؛ بنابراین به‌کارگیری این نوع مهارت‌ها رشد اخلاقی را نیز به همراه دارد و می‌تواند در افزایش خودکنترلی آن‌ها نیز به نحو چشم‌گیری مؤثر واقع شود؛ بنابراین طبق نتایج این یافته، این مطالعه خبرهای مسرت بخشی را برای معلمان و دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان و برای کسانی که دغدغه حل مشکلات ساختاری نظام آموزشی کشور را دارند به ارمغان آورده است و نشان می‌دهد اجرای آموزش خویش‌داری به روش فلسفه برای کودکان تأثیرات چشمگیری در رشد خودکنترلی دانش‌آموزان دارد.

آموزش خویش‌داری به روش فلسفه برای کودکان را می‌توان به‌عنوان روشی اثربخش در بهبود خودکنترلی میان فردی، فردی و خودسنجی دانش‌آموزان در نظر گرفت که موجب افزایش آشنده است. افزایش خودکنترلی میان فردی در دانش‌آموزان موجب بهبود رفتار آن‌ها با سایر دانش‌آموزان می‌شود از قبیل اینکه اگر زمانی آن‌ها مشغول انجام کاری هستند، درباره چیزهای دیگر فکر نکنند و اگر کسی مزاحمشان شد، به رفتارش توجهی نکنند. هنگامی که معلم مشغول درس دادن است، با دوستانشان صحبت نکنند. زمانی که شخصی آن‌ها را هل دهد با او دعوا نکنند و ... که آن‌ها را به افرادی وظیفه‌شناس و باوجدان تبدیل می‌کند. در تبیین تاثیر آموزش خویش‌داری بر خودکنترلی فردی می‌توان گفت در نهایت دانش‌آموز به سطحی برسد که وقتی دوستانش او را مسخره می‌کنند، ادامه انجام کارها برایش دشوار نشود. همچنین انتظار کشیدن برای چیزی که می‌خواهد، سخت نباشد. کار کردن خیلی تند و سریع موجب اشتباه زیاد او نگردد و مواردی از این قبیل که طبیعتاً آموزش خویش‌داری به روش فلسفه نیز در آن مؤثر می‌باشد.

از سوی دیگر یکی از مؤلفه‌های اصلی آموزش خویشتن داری به روش فلسفه برای کودکان، جلسات گروهی و انواع بازی‌های گروهی برای افزایش خویشتن‌داری است. در آموزش خویشتن داری به روش فلسفه برای کودکان، کلاس درس به آزمایشگاهی تبدیل می‌شود که مهم‌ترین فعالیت دانش‌آموزان در آن پژوهش‌گروهی است. از جمله پیامدهای این نحوه برگزاری کلاس خود سنجی است. از آنجا که دانش‌آموزان، از منظرهای متفاوت به موضوع خویشتن‌داری می‌پردازند و ناخودآگاه در این گفت‌وگو به جمع‌بندی می‌رسند، برای رفع اشتباهات خود، به توانایی خود اصلاح‌گری دست می‌یابند؛ و به این توانایی دست پیدا کنند که خود را مورد سنجش و ارزیابی قرار دهند و وقتی کاری را اشتباه انجام دادند، بدون اینکه کسی به آن‌ها چیزی بگوید، متوجه شوند و مواردی از این قبیل؛ بنابراین آموزش خویشتن داری به روش فلسفه برای کودکان بر خودسنجی نیز تأثیر دارد. در ضمن وقتی کودکان در اجتماع پژوهشی داستان‌های فلسفی را مطالعه می‌کنند و با موقعیت‌های مهم مواجه می‌شوند، زمینه برای کشف عقاید و فرضیه‌های متعدد به صورت راه‌حل‌های حدسی فراهم می‌شود. آن‌ها ضمن خواندن داستان‌ها درمی‌یابند که مسائلی وجود دارد که باید برای آن‌ها راه‌حلی پیدا کرد. آن‌ها فرامی‌گیرند که اطلاعات را سازمان‌دهی کنند و از درون آن‌ها فرضیه‌های مناسب را پیش‌بینی و استخراج کنند. در این فرایند، به کودک کمک می‌شود که در جریان پیش‌بینی به درک روابط هم‌بستگی و روابط علی نیز برسد؛ بنابراین به کارگیری این نوع مهارت‌ها در یک فضای اجتماع پژوهشی رشد اخلاقی را نیز به همراه دارد و می‌تواند در افزایش خودکنترلی آن‌ها نیز به نحو چشم‌گیری مؤثر واقع شود؛ بنابراین طبق نتایج این یافته، این مطالعه خبرهای مسرت بخشی را برای معلمان و دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان و برای کسانی که دغدغه حل مشکلات ساختاری نظام آموزشی کشور را دارند به ارمغان آورده است و نشان می‌دهد اجرای آموزش خویشتن داری به روش فلسفه برای کودکان تأثیرات چشمگیری در رشد خودکنترلی دانش‌آموزان دارد. با توجه به این که نمونه پژوهش شامل کودکان پایه دوم ابتدایی شهر یزد بودند، از این رو تعمیم نتایج به نمونه‌های دیگر از محدودیت برخوردار است. پیشنهاد می‌شود پژوهش مشابه در جوامع آماری متفاوت انجام شود. بر مبنای یافته‌های حاصل از این پژوهش می‌توان گفت آموزش خویشتن داری به روش فلسفه برای کودکان واثر بخشی آن بر خودکنترلی دانش‌آموزان امری ضروری است، لذا در این رابطه پیشنهاد می‌شود از این آموزش در مدارس به صورت رویکردی نوین استفاده گردد.

References

- Abedi Dehkordi, M., & Vaziri Yazdi, S. (2015). Designing a model of teaching self-control through play-practice and its effect on children's social skills. *The first international conference on educational management in Iran*. [in persian].
- Alivardinia, A., and Younesi, E. (2014). The effect of self-control on crime among students. *Culture Strategy*, No. 26, pp. 93-118.
- Asadi Gandmani, R., nesaeenanm, A., pezeshk, S., Hashemi A., & Sarami, G.. (2015). The effect of role-playing training on social skills of students with mild mental retardation. *Quarterly Journal of Exceptional People*, 5 (18): 312-355. [in persian].
- BehPajooh, A., & Hossein Khanzadeh, A. (2015). Identify the social skills needed by students with intellectual disabilities in the classroom environment. *Iranian Curriculum Studies Quarterly*, 7 (25): 95-114. [in persian].
- Belaghat, S. M.R., & Khamer, S. (2012). Study and comparison of self-control education from the perspective of Islam and Western psychology. Conference on Five National Characteristics of Iranian Personality Development and Progress, Aras, Aras International Campus, University of Tehran. [in persian].
- Binti Ismail, S. (2020). Matthew Lipman's pragmatism and the relevance of philosophy for children (p4c) to children's education in Malaysia, *Journal of Islamic Discourses*, 3(1), 167-188.

- Borjali, M. Alizadeh, H. Ahadi., H., Farrokhi, N. Sohrabi, F., and Mohammadi, M. (2014). Comparison of the effect of encouragement, behavioral and medication therapy methods on self-control skills in children with attention deficit / hyperactivity disorder. *Clinical Psychology Studies*, No. 16, pp. 153-175. [in persian].
- Caplan, R. (2017). Epilepsy, language, and social skills. *Brain and Language*, 193, 18– 30.
- Delavar, Ali. (2016). *Research methods*. Tehran: Agah Publications. [in persian].
- Demozzi, S., & Ilardo. M. (2020). Educational deontology in the community of philosophical inquiry. *Childhood and Philosophy*, 16(36), 1-16.
- Druker, K. C., Mazzucchelli, T. G., & Beilby, J. M. (2019). An evaluation of an integrated fluency and resilience program for early developmental stuttering disorders. *Journal of Communication Disorders*, 78: 69-83.
- Fatholahi, A., & Sahraei, Q. (2013). Social dimensions of life skills from Rumi's point of view. *Journal of Educational Literature (Journal of Persian Language and Literature)*, 5(17): 191-218. [in persian].
- Gatiey, J. (2020). Philosophy for children and the extrinsic value of academic philosophy. *Metaphilosophy*, vol. 51, no. 4, 549-563.
- Gur, G. (2011). Philosophy in the early years. *Procedia- Social and Behavioral Sciences*, 12: 501- 511.
- Hafizi, A. (2021). Predicting self-control based on social and behavioral skills of students with special educational needs of exceptional primary schools in Tehran. *Educational Studies*, 10 (2), 63-86. [in persian].
- Hofmann, W., Luhmann, M., Fisher, R. R., Vohs, K. D., & Baumeister, R. F. (2013). Yes, but are they happy? *Effects of trait self-control on affective wellbeing and life satisfaction*. *Journal of Personality*, 82: 265–277.
- Humphrey, L. L. (1982). Children's and teacher's perspectives on children's self-control: The development of toe rating scales, *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 50, 624-633.
- Jalai, M., CheraghMollai, L., & KhudabakhshPirkhani, R. (2019). The effect of moral intelligence game on conscience, self-control and social responsibility of talented primary school children. *Journal of Educational Psychology*, 15 (54): 59-89. [in persian].
- Junus, K. & Heru, S. (2019). The community of inquiry model training using the cognitive apprenticeship approach to improve students learning strategy in the asynchronous discussion form. *journal of educators online*, 6(3), 1-17.
- kazemi. M, S., & Pouyamanesh., G. (2018). The effectiveness of self-control training on positive thinking of first grade female students of Fatemieh Qazvin boarding school. *Iranian Sociological Association of Education*, 8 (8), 163-172. [in persian].
- Keegan, J., Mason, P. (2016). *Child Development and Personality*, Translation: yasae. Tehran: University Publishing Center. [in persian].
- Lipman, M. (2003). *Philosophy goes to school*, Philadelphia: Temple University Press.
- Lippman, H. (2017). Padilla and beyond: The future of the defense function. *Fordham Urban Law Journal*, 39(1), 29.39.
- MardazadBehi, El., Yariqholi, B., & Piri, M. (2021). The effectiveness of teaching philosophy to children through the community of inquiry approach on students' academic anxiety. *Thinking and Children*, 11(2), 231-255. [in persian].
- Mccullough, M.E. & Willoughby, L. B. (2009). Brian, religion, self-Regulation, and selfControl: associations, explanations, and implications. *Psychological Bulletin*, 135(1): 69–93.

Mohammadi F., & Amini N. (2020). Evaluation of the effectiveness of teaching self-control behavioral strategies on resilience in juvenile delinquents of Bushehr Correctional Center. *Quarterly Journal of New Ideas in Psychology*; 7 (11): 1-10. [in persian].

Mousavi Moghadam, S. R., Nouri, T., Khodadadi, T., Ahmadi, A., & Ghiasi, Gh. (2017). The relationship between Internet addiction and self-control with mental health in university students

Naji, M. (2004). Philosophy for children and adolescents. Seminary and University, No. 40, pp. 118-93.

Naji, S. (2010). Philosophical exploration for children and adolescents: conversations with new revolutionary pioneers in education. Tehran: *Institute of Humanities and Cultural Studies*.

Nie, Y., Li, J., Vazsonyi, A., T. (2016). Self-control mediates the associations between parental attachment and prosocial behavior among Chinese adolescents. *Personality and Individual Differences* 96, 36-39.

Pasandideh, A. (2014). Analysis of the problem of self-control in general. *Research in Quranic and Hadith Sciences*, Volume 11, Number 4 (24 consecutive), 1-25. [in persian].

Rahimi, A., Khorramabadi, Y., Navabi, Y., & Moein, R. (2017) The effect of education Life skills on reducing risky behaviors of male high school students in danger. *Researchers*, 15(1), 44-52. [in persian].

Razmgar, M., & Asghari Ebrahimabad, M. (2020). The role of conflict resolution styles in predicting the quality of life of married women mediated by self-control. *Journal of Women and Society*, 11 (44): 71-92. [in persian].

Retyunskik, L. (2020). Teaching philosophy and doing. *Journal of Philosophy in the Space of Play Analytic Teaching and Philosophical Praxis*, 40(1), 38-47.

Rezapour Mirsaleh, Y. Kheradmand, T. & Shahedi, S. (2018). The effectiveness of moral intelligence training on social functioning and behavioral problems. *Journal of Ethics in Science and Technology*, 12 (4), 48-59.

Sehat Binabadi, A., Dasht Abadi, Q., & Sadeghi Bakhi, M. (2015). The Role of Self-Control in Reducing Child Aggression, 2nd International Conference on Behavioral Sciences and Social Studies, Istanbul, Vira Capital of Ideas. [in persian].

Shabani, H. (2014). Educational skills (teaching methods and techniques). Tehran: Samat. [in persian].

Shepherd, D., Sattari, R., & Patzelt, H. (2020). A social Model of Opportunity Development Building and Engaging Communities of Inquiry, *Journal of Business Venturing*, 5(9). 49-59

Smith, J. P., and Holfish, H., G. (2012). Rational thinking: the method of education. Translated by Ali Shariatmadari. Tehran: Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books (Position). [in persian].

Tabatabai, Z., and Mousavi, M. (2012). Investigating the effect of philosophy program for children on questioning and critical thinking of third to fifth grade elementary students (9-11 years old) Alavi primary school in Varamin. *Thinking and the Child*, Volume 2, Number 1, pp. 73-90.

Topping, KJ., & Trickey, S. (2007). Collaborative philosophical enquiry for school children: cognitive effects at 10-12 years. *Br J Educ Psychol*, 77(Pt 2):271-88.

Traisorn, R., Soonthornrojana, W., & Chano, J. (2015). Development of a learning model for enhancing social skills on elementary students. *Educational Research and Reviews*, 10(14): 1943-1952.

Yang, X., Zhao, J., Chen, Y., Zu, S., & Zhao, J. (2017). Comprehensive self-control training benefits depressed college students: a six-month randomized controlled intervention trial, *Journal of Affective Disorders*.

Zulkifli, H., & Hashim, R. (2020). Philosophy for children (P4C) in improving critical thinking in a secondary moral education class. *International Journal of Learning, Teaching and Educational Research*, 19(1), 22-45.